

تشکیلاتی  
سلسله فیرواز تشکیلاتی پایگاه مضماری

# انگیزه و کار تشکیلاتی

در کلام

## حضرت امام خامنه ای (مدظله)

بیانات معظم له در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر (عج)

۲۳ تیر ۱۳۸۹



بستری برای به اشتراک گذاشتن مطالب ناب تشکیلاتی

[www.mezmar.ir](http://www.mezmar.ir)

@mezmar\_ir



### مقدمه

من و چند تن از دوستانم که از سال‌ها پیش فعالیت‌های اجتماعی سیاسی بر مبنای اسلام را به عنوان یک واجب بزرگ و فریضه بزرگ تلقی می‌کرده ایم، مکرر وقتی دور هم می‌نشستیم و اوضاع و احوال را تجزیه و تحلیل می‌کردیم و وظایف را برمی‌شمردیم و نیروهایمان را ارزیابی می‌کردیم، به این نتیجه می‌رسیدیم که نیروهای مؤمن مخلص مسلمان در جامعه ما فراوانند و جامعه ما یک منبع بسیار پرارزش از نیروهای نهفته است و انبار و خزانه و گنجینه نیروهاست. ولی این نیروها یکدیگر را درست نمی‌شناسند و به حد کافی از وجود یکدیگر خبر ندارند. به طوری که اجمالاً می‌دانیم، جامعه ما جامعه ای است پرنیرو؛ اما وقتی دست به هر کاری می‌زنیم، در همان قدم‌های اول و دوم می‌بینیم نیرو کم داریم. آب در خانه هست، ولی ما تشنه لب می‌گردیم. وقتی هم شناسایی می‌کنیم، باز قدرت سازمان و سامان دادن و تجربه تشکیلاتی مان کم است. گاهی می‌بینیم نیروها انباشته شده‌اند و کار زیادی هم انجام نمی‌گیرد. بنابراین، به روشنی به این نتیجه می‌رسیدیم که دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می‌کردیم که ایجاد تشکیلات اجتماعی بر پایه اسلام، از واجبات اساسی هر انسان متعهد آگاه مسلمان است!



جزوه ای که پیشرو دارید، یازدهمین جزوه از سلسله جزوات «دین تشکیلاتی» است که توسط پایگاه مضممار آماده شده است. این جزوه متن یکی از فرمایشات تشکیلاتی حضرت امام خامنه ای (مدظله) است که در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر (عج) در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۶ ایراد شده است. معظم له در بیاناتشان اهمیت انگیزه برای انجام کارهای برجسته را مورد تاکید قرار می دهند و نکات نابی در این زمینه بیان می کنند. پایگاه مضممار در راستای هدف نشر محتوای ناب تشکیلاتی، این فرمایشات را در قالب جزوه حاضر تحت عنوان «انگیزه و کار تشکیلاتی در کلام حضرت امام خامنه ای (مدظله)» آماده کرده است. باشد که با مطالعه این جزوه و آشنایی با منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله) بتوانیم با انگیزه ای بالا، حرکت تشکیلاتی خود را در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی، تقویت کنیم.

پایگاه مضممار



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### ماه شعبان فرصتی ست برای نورانی کردن دل

اولاً خوشامد عرض میکنیم به همه‌ی شما برادران، خواهران، خانواده‌های محترم؛ و تبریک عرض میکنیم این عید سعید و شریف را، بلکه این اعیاد شریفه را که به تقدیر الهی در ماه مبارک شعبان گنجانده شده است.

خود ماه شعبان هم عزیزان من! با قطع نظر از این تولدها و ولادتهای مبارک، عید است؛ عید تقرب و توجه به خداوند و توسل قلبی به ساحت ربوبی؛ فرصت بزرگی است برای نورانی کردن دل و جان انسان و آماده شدن انسان برای ورود در ضیافت ماه مبارک رمضان. با این چشم نگاه کنیم به ماه شعبان؛ ماه فرصت عبودیت خداوند و فرصت خودسازی.

### اهمیت انگیزه برای انجام کار

آن چیزی که من در این جمع خواستم عرض بکنم، همین مسئله‌ی انگیزه‌هاست.

کارهای خوب، کارهای بزرگ، فقط با انگیزه‌های ممتاز و از اعماق دل برآمده انجام می‌گیرد. کارهای بزرگ را به صورت دستوری و تشریفاتی و اداری و اینها نمی‌شود انجام داد.

کار مقرراتی و دستوری، در همان حد کار متعارف انجام میگیرد؛ در صورتی که کار برجسته و ممتاز، تابع انگیزه است. آن کسی که از لحاظ کمیت کار خیلی وقت خود را صرف میکند و از وقت استراحتِ خودش میزند، انگیزه‌ی بالائی دارد؛ این یک چیز برجسته‌ای است. ما چنین روحیه‌ای را دیده‌ایم؛ در همین جا هم هست.

در طول این سی سال، بنده در جاهای مختلف که بودم - چه در زمان ریاست جمهوری، چه قبل از آن در نیروهای مسلح و جاهای دیگر - از نزدیک کسانی را مشاهده کرده‌ام که واقعاً تعطیلی نمی‌شناسند، استراحت نمی‌شناسند؛ مایلند همه‌ی لحظاتی که صرف همین کاری که بر عهده‌ی آنها محول است، قرار بدهند.

البته من همین جا به شما عرض بکنم؛ موافق اینجور کار کردن نیستیم. بنده معتقدم: کار بایستی جوری برنامه‌ریزی و تنظیم بشود که انسان بتواند به خانواده‌ی خود، به فرزندان خود، به روابط عاطفی بپردازد؛ خودش را له نکند.

ولی خوب، بعضی هستند؛ حالا واقعاً یا ظرفیت زیادی دارند، به همه چیز در جای خود میپردازند و ظرف کار را لبریز میکنند، یا اینکه از جاهای دیگر کم میگذارند و به کار اضافه میکنند. این حجم کار و کمیت کار است که سنگین و بزرگ و فراگیر است؛ این یکی از

کارهای برجسته است؛ این احتیاج به انگیزه دارد. تا انگیزه‌ی قلبی نباشد، هیچ کس به خاطر دستور و به خاطر حکم و به خاطر مقررات، اینجور کار نمی‌کند.

گاهی هیچ کس هم این حجم کار را نمی‌فهمد. من بارها در جمع‌های اداری که اینجا آمدند، گفته‌ام: شما یک پرونده دستتان است، یک پروژه دستتان است، یک کار دستتان است، می‌گوئید تمامش کنم. وقت اداری هم تمام می‌شود، شما هم خسته هستید، اما می‌گویید من این کار را باید تمام کنم و بروم. نیم ساعت، یک ساعت، دو ساعت بیشتر از وقت می‌مانید؛ نه به ریاستان اطلاع می‌دهید، نه اضافه‌کار می‌گیرید، نه کسی می‌فهمد؛ اما شما این کار را انجام دادید؛ این خیلی ارزش دارد؛ این در دفتر کرام‌الکاتبین محفوظ می‌ماند. کاتبان عمل ما - که مأموران ساحت ربوبی هستند - اینطور کارهای اینجوری را بخصوص برجسته می‌کنند. خوب، این یک نوع کار برجسته است.

### کار برجسته چه نوع کاری است؟

#### ۱. انجام کار به شکل عالی‌تر

یک نوع کار برجسته، کارهای کیفیتی است؛ کار را با کیفیت خوب انجام دادن، به شکل عالی‌تر انجام دادن.

انسان میتواند یک رسیدگی را، یک کار را دو جور انجام بدهد: جور آسانتری هم وجود دارد، اما انسان جور سخت تر را انتخاب می کند، برای اینکه کیفیت کار را بالا ببرد. این هم انگیزه می خواهد، این هم کار برجسته است.

### ۲. انجام کار به شکل نو، خلاقانه و کارآمدتر

یک نوع کار، ابتکار و آفرینش کار است؛ پیدا کردن راه های نو، شیوه های نو، شیوه های کارآمدتر؛ چه در کارهای محدود، چه در کارهای کلان. فکر لازم دارد، تلاش لازم دارد. بعضیها می گویند حالا ولش کن؛ همان کاری که دیگران می کنند، ما هم می کنیم. بعضی میگویند نه؛ به خودشان می قبولانند که کاری مبتکرانه و خلاقانه ارائه بدهند.

### منشأ انگیزشی کار برجسته چیست؟

اینها انگیزه میخواهد. بدون انگیزه، بدون یک عامل درونی، اینجور کارهای برجسته، چه از لحاظ کمی، چه از لحاظ کیفی، امکانپذیر نیست. این انگیزه چیست؟ این انگیزه، ترکیبی است از ایمان و آگاهی. این دو چیز به انسان انگیزه میدهد: ایمان داشته باشد، آگاهی هم داشته باشد.



### تأثیر انگیزه الهی در انجام کار

اگر خدای نکرده شما بیماری داشته باشید؛ وقتی که نمی دانید این بیماری وجود دارد، یا نمی دانید که طبیعی برای این بیماری وجود دارد، یک جور عمل می کنید؛ اما وقتی که می دانید این بیماری هست، میدانید طبیعی هم هست، اعتقاد هم دارید که این طیب می تواند این بیماری را مرتفع کند، اینجا چه کار می کنید؟

اینجا دیگر معطل نمی شوید. دور باشد، نزدیک باشد، آسان باشد، سخت باشد، این عزیز بیمار را می کشانید، می برید آنجا. این انگیزه است. انسان برای کار انگیزه دارد.

یک عامل درونی، انسان را وادار می کند. انسان نیاز را بفهمد، به نتیجه ایمان داشته باشد - و برای مردم مؤمن، در زیر نظر خدا بودن را هم بداند - این می شود انگیزه ی کامل. بعضیها این اعتقاد را دارند، این آگاهی را دارند، این ایمان به نتیجه را دارند، اما خدا ندارند؛ آنها انگیزه شان کمتر است. اما وقتی من و شما میدانیم کاری که می خواهیم انجام بدهیم، کاری که داریم انجام می دهیم، کاری است برای خدا، کاری است برای نظام اسلامی، کاری است برای مردم و به سود مردم، و خدا این را می بیند، و اگر دیگران نفهمند، دیگران ما را تحسین نکنند، آفرین نگویند، برای ما کف نزنند، اما خدای متعال می بیند و قدر می داند و پاداش می دهد.

امام حسین در روز عاشورا فرمود: «انّ ذلک بعین اللّٰه»؛ میبینم که کار من زیر نظر خداست. با این دید، این می‌شود آن انگیزه‌ای که با وجود آن، انسان هرگز دیگر بیکار نمی‌ماند. و اسلام و تاریخ اسلام و وجود مقدس خاتم الانبیاء (صلی اللّٰه علیه و اله و سلّم) در تقویت این انگیزه و شناخت مواقع وجود این انگیزه و بهره‌برداری از آن به نفع اهداف و آرمانها، غوغائی کردند. انسان وقتی که تاریخ اسلام را نگاه می‌کند، می‌بیند در این خصوص غوغاست.

### نمونه کامل نتیجه انگیزه الهی

یک نمونه‌ی آن را من عرض بکنم. در جنگ احد - همین طور که اطلاع دارید؛ شنیده‌اید یا خوانده‌اید - مسلمانها اول پیروز شدند؛ بعد به خاطر دنیاطلبی یک عده از خودشان، دچار شکست شدند. کسانی از اینها به شهادت رسیدند - مثل جناب حمزه‌ی سیدالشهداء و دیگران - بقیه هم فرار کردند و رفتند روی آن کوه؛ دشمنان هم در آخر آن روزی که این جنگ انجام گرفت، با دست پر و با خوشحالی آنجا را ترک کردند و این غصه و این عقده در دل مسلمانها ماند. پیغمبر فرمود شهدا را بردارند و به مدینه بیاورند - احد نزدیک مدینه است - راه افتادند، آمدند وارد مدینه شدند. در میان افراد بازگشته به مدینه، مجروح هست، جانباز هست، اجساد مطهر شهدا هست، خانواده‌های داغدار هستند. مدینه غوغا شد از لحاظ گریه و نوحه و

زاری برای کشته شده‌ها، و بعد هم ناکامی در این جنگ؛ اینها همه تلخ بود.

شب آن روزی که این حادثه‌ی تلخ اتفاق افتاده بود، برای پیغمبر خبر آوردند که یک عده از مشرکین بعد از آنکه از مدینه دور شدند، به این فکر افتاده‌اند که حالا که مسلمانها شکست خوردند، خوب است ما حمله کنیم و کار مسلمانها را تمام کنیم. این خبر که به مدینه رسید، یک عده از آدمهای دهن‌لق - یا مغرض یا جاهل که شایعات بد را بلافاصله مثل برق و باد منتشر میکنند - شروع کردند این را منتشر کردن.

اینگونه افراد همین قدر که خبر به گوششان برسد - چه راست باشد، چه دروغ - بلافاصله شروع میکنند آن را پخش کردن. آن زمان هم این افراد بودند، امروز هم از این قبیل افراد هستند. اینها شروع کردند توی مدینه خبر را منتشر کردن. گفتند آقا پدرمان درآمد؛ اینها به ما حمله میکنند؛ بترسیم، چه، چه، چه. بنا کردند توی دل مردم را خالی کردن. اینجا پیغمبر اکرم آمد وسط میدان. در یک چنین جاهائی، اِعمال آن روح نبوت لازم است.

پیغمبر مردم را جمع کردند، گفتند همه بیائید توی مسجد. آمدند توی مسجد. فرمود: شنیدم دشمن در فلان نقطه اجتماع کرده؛ منتظر است

که شما غفلت کنید، به شما حمله کند. باید همین امشب بروید آنها را تارومار کنید.

گفتند: حاضریم یا رسول‌الله!

فرمود: نه؛ فقط کسانی که امروز در جنگ احد بودند، آنها باید بروند. یعنی همانهایی که خسته‌اند، همانهایی که از صبح تا شب جنگیدند، همانهایی که بدنشان هم زخمی است، باید بروند؛ هیچ کس غیر از اینها نباید برود.

اول یک عده‌ای شاید تعجب کردند، بعد دیدند عجب حکمی است. کسانی که آن روز در جنگ احد بودند، آسیب هم دیده بودند، خسته هم بودند، بلافاصله جمع شدند. پیغمبر گفت بروید این قضیه را تمام کنید و برگردید.

کسانی که آن زخم را امروز خورده‌اند و ضربه‌ای را که دشمن وارد آورده، مایلند جبران کنند و ضربه‌ی متقابل بزنند، خودشان دستشان توی کار بوده، نه اینکه خبر را از دهن این و آن شنفته باشند، همین‌ها را پیغمبر به خط کرد، بسیج کرد و گفت شماها باید بروید.

اینها یک عده‌ای بودند - خیلی هم نبودند - سوار شدند و راه افتادند طرف همان منطقه، و دشمنی را که کمین گرفته بود، غافلگیر کردند و به او ضربه زدند و تارومار کردند و برگشتند.



آیهی شریفه نازل شد: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاشْجَوْهُمْ». مؤمنین آن کسانی هستند که وقتی شایعه پراکنها آمدند گفتند علیه شما آنجا جمع شدند و بترسید، «فزادهم ایمانا»؛ اما این ترس که به وجود نیامد، انگیزه و ایمان آنها تقویت و بیشتر هم شد. «و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل»؛ گفتند خدا کافی است، کار موکول به خداست.

ببینید این چه معرفت عظیمی است. کار را شما داری میکنی، بازوی شما دارد کار میکند، فکر شما دارد کار میکند، قلم شما دارد کار میکند؛ اما کار، کار خداست؛ موکول به اوست. موکول به خدا بودن معنایش این نیست که ما کنار بنشینیم، بگوئیم خدا خودش درست کند؛ نه، خدا اینجوری درست نمیکند.

اینکه من و شما یک کاری را انجام بدهیم، مغرور بشویم و خیال کنیم ما بودیم که کردیم، خیال کنیم که ما یک کار برجسته انجام دادیم، این هم غلط است، این هم نادرست است.

### نتیجه توکل به خدا و اهتمام کامل در انجام کار

اگر خدای متعال کمک نکند، اگر هدایت نکند، اگر توفیق ندهد، هیچ کاری نمیتوانید بکنید؛ هیچ نتیجهای را هم به دست نخواهید آورد.

وقتی دو عنصر همراه شد؛ یعنی شما از یک طرف به خدا توکل کردید، از خدای متعال استمداد کردید، خدا را حاضر و ناظر دانستید، خدا را صاحب کار خودتان دانستید، و از طرف دیگر همه‌ی نیرویتان را پای کار آوردید، این میشود همان شکل درست. «قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل»؛ این توصیف اینهاست.

نتیجه‌ی کارشان هم در آیه‌ی بعد ذکر میشود: «فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء و اتبعوا رضوان الله». رفتند و برگشتند، بدون اینکه کوچکترین ضربه و زخمی بر آنها وارد شده باشد. آنها توانستند دشمن را تارومار کنند و همه‌ی موجودیهای دشمن را مصادره کنند و غنیمت بگیرند و بیاورند. آنها نه فقط توطئه را خنثی کردند، بلکه یک درآمدی هم برای مدینه و حکومت پیغمبر در سال سوم - که سال جنگ احد است - درست کردند.

می‌خواهند ما اینها را به یاد داشته باشیم. اینها فقط تاریخ نیست، خاطره نیست؛ اینها درس است. می‌خواهند من و شما این حقایق را به یاد داشته باشیم و اینها را در زندگیمان اعمال کنیم.

چهار تا آیه در تعقیب نماز صبح ذکر شده - که در کتاب مفاتیح الجنان هم هست - میتوانید مراجعه کنید و آنها را بخوانید. هر کدام از این آیات هم که ذکر شده، یک نتیجه‌ای دنبالش آمده است: «و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد. فوقیه الله سیئات ما مکروا». «لا اله

أَلَا انت سبحانک انّی کنت من الظّالمین. فاستجبنا له و نجیناه من الغمّ و کذلک ننجی المؤمنین»، که آیه‌ی جناب یونس است. آیه‌ی دیگر، همین آیه‌ای است که قبلاً تلاوت کردم: «حسبنا الله و نعم الوکیل. فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سوء». آیه‌ی چهارم هم: «ما شاء الله لا قوه الا بالله» است که مال آن قضیه‌ی دو برادر است. اینها برای ما درس است. وقتی انسان احساس میکند که کار بزرگ است، کار باارزش است، کار دارای تأثیر اجتماعی کلان است، انگیزه‌اش بیشتر می‌شود.

#### آنچه می‌ماند نتیجه و اثر اعمال ماست

به هر حال آن چیزی که از بین می‌رود، همین گذران روزانه‌ی ما و شماسست. خویش، بدش، بر طبق وظیفه‌اش، خلاف وظیفه‌اش، صوابش، اینها از بین می‌رود. طبیعت عالم، طبیعت زوال است؛ «العالم متغیّر». آنچه که می‌ماند، اثر این کار است در دیوان الهی؛ این از بین نمی‌رود.

«لا یعزّب عنه مثقال ذرّة»؛ به قدر سنگینی یک ذره - حالا ذره چه به معنای ذرات غبار منتشر در هوا، چه به معنای مورچه - از دید محاسبه‌ی الهی مخفی نمی‌ماند. دوربینهای مخفی الهی ذره ذره‌ی اعمال ما را نگاه می‌کنند و می‌سنجند؛ و سخت‌ترش این است که بر دل‌های ما هم تسلط دارند. دوربین مخفی فقط توی ساختمان و توی

محیط کار و داخل خانه و اینها نیست؛ توی دل ما هم یک دوربین مخفی هست. آنچه بر دل ما می‌گذرد، آنچه بر ذهن ما می‌گذرد، آنچه در خلوات انجام می‌دهیم، همه بدون هیچگونه کم و زیادی منعکس است و در روز قیامت اینها آشکار می‌شود؛ «فمن يعمل مثقال ذرّة خیرا یره. و من يعمل مثقال ذرّة شراً یره». ظاهر آیه این است که این عمل تجسم پیدا میکند و انسان خود آن عمل را می‌بیند. عمده این است که این عمل می‌ماند؛ به فکر این ماندنی باشیم. حوادث روزگار و گذران و روزمره‌ی عمر ما، خویش، بدش، در اوج احترام، در حضيض بی احترامی، با جیب پر، با جیب خالی، همه جورش می‌گذرد و باقی نمی‌ماند. خویش هم قابل دلبستن نیست، چون باقیماندنی نیست؛ بدش هم شکوه و شکایت آنچنانی ندارد، چون باقیماندنی نیست، چون گذراست. آن چیزی که می‌ماند، اثر این عمل است، نتیجه‌ی این عمل است، ثواب الهی است، عقاب الهی است؛ به فکر این باید بود.

خوب، خیلی خوشحال شدیم از زیارت شما برادران و خواهران، مخصوصاً جوانهایتان که الحمدلله در این جلسه‌ی خانوادگی حضور دارند. امیدواریم ان شاء الله همه‌ی شما موفق و مؤید باشید و در خط راست و درست و صراط مستقیم الهی به پیش بروید.

والسّلام علیکم و رحمۃ اللّٰه و برکاته



## یادداشت

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

وقتی انسان احساس می کند که  
کار بزرگ است،  
کار با ارزش است،  
کار دارای تأثیر اجتماعی کلان است،  
انگیزه اش بیشتر می شود.



#با ما همراه باشید...

MEZMAR.IR